

● هدف این است که آن نظرات در حکم قاضی تأثیر بگذارد.
- اینها حل مشکل کنند.

● بله، حل مشکل کنند و تأثیر هم بگذارند.
حال از دفتر امور زنان قوه قضاییه بگویید.

- دفتر امور زنان به واحدهای مختلفی تقسیم شده بود، یک واحد حقوقی داشت که بررسی خلأها و نواقص قانونی را به عهده داشت. واحد بین المللی که در ارتباط با کنوانسیون های بین المللی بود و واحد امور زندان ها، که به زندان های مختلف - بند نسوان - سرکشی می کرد و کمبود و کاستی ها را بررسی می کرد. یکی از کارهای خوب دفتر امور زنان این بود که تلاش کرد در زندان اوین که فاقد مهدکودک بود، مهدکودک تأسیس شود و بعد به تبع آن در سایر استان ها هم در زندان ها مهدکودک درست کردند. متأسفانه مطلع

زنان منحل شده این دفتر امور زنان بسیاری از زنان و شوهرانی که دعوت برای مشاوره می شدند به توفیق رسیده و به زندگی مشترک برمی گشتند و با تحقیقات ریشه ای که در آنجا انجام شد مثل حقوق کیفری زنان، حقوق مدنی و اجتماعی زنان و تضامات زنان که بسیار با اهمیت است، بر زمره کارهای دفتر امور زنان قوه قضاییه می باشد. طرح اجرت المثل بعد از وفات شوهر - طرح مادری ۱۱۱ قانون مدنی که بر ایام عده وفات قابل مطالبه می باشد و ... مواردی بود که روی آن کار شد و تبصره «۶» اصلاح حقوق مربوط به طلاق که مشکلات زیادی در پی داشت و ما از قضات دادگاه ها دید نظر در دادگاه خانواده دعوت کردیم و نظر کلی داریم. این تبصره ها در مصوبه مجمع تشخیص مصلحت بود. یا آنجا که می گوید اگر طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف زناشویی نباشد، ما می بینیم که بسیاری از موارد اظهار به خاطر این که اجرت المثل زحماتی که زن صورت داده و ضرر متحمل شده نپردازند، دادخواست تمکین به دادگاه می دهند بعد حکم الزام تمکین زوجه و با این حکم که زن را ناشزه تلقی می کند، دادگاه از پرداخت اجرت المثل خودداری می کند. به

خاطر این که می گوید زن از ایفای وظایف زناشویی خودداری کرده است و ...

● اجرت المثل موضوعی جداگانه است و ارتباطی به نطفه و تمکین ندارد، چرا چنین ارتباطی در متن ایجاد شده بود؟

- در قانون مدنی دادگاه هر کس کاری را انجام دهد باید مستند به سند باشد. این یک مسئله است. تبصره «۶» مسئله بحث است. آیا ممکن است در صورتی که زن از روی عجز یا بی رغبتی کاری را می کند به شوهرش بگوید که این کار را انجام می دهم در مقابل اجرت المثل در قانون مدنی آمده که اگر کسی بی رغبتی کار باشد، باید اجرت المثل را بپردازد. این مسئله تشدید در قانون مدنی است. مثلاً در مورد مسئله خون بس و شغار این مسئله این خصوص به رئیس قوه قضاییه در تحقیقات توسط نماینده ای ما در استان گلستان انجام شد که به نظر می رسد قوه قضاییه جلسه ای هم در این خصوص با مسئولین استان تشکیل دادند و مشکلات منطقه زنان سیستان و بلوچستان را هم بررسی کردیم که به طور مکتوب از دفتر امور زنان خدمت رئیس قوه قضاییه داده شد.

● آماری از تعداد شکایات زن بدهید. چند قاضی زن در کشور داریم؟ سمعت های آنان چیست؟

- در حال حاضر حدود ۱۲۶ قاضی زن داریم. حدوداً عرض کنم چون تعدادی به نشسته می شوند یا از کار خارج می شوند یا تعدادی اضافه می شوند که حدوداً ۱۲۶ قاضی زن در پست های مختلف به فعال به کار دارند. این تعداد دو نفر مستشار دادگاه های خانواده است. چهار نفر معاون رئیس کل دادگستری است. مستشاران استان خوزستان هم در قانون مجتمع هستند، یک نفر مدیرکل که خانم یزدی بودند، یک نفر معاون مدیرکل داریم، سه نفر مستشار، سه نفر کارمند قضایی، ۷۲ نفر مشاور

قضایی دادگستری که اکثرآ در دادگاه خانواده هستند و ۵۲ نفر قاضی تحقیق، اکثر خانم ها در دادگاه های خانواده سرپرست هستند.

● با توجه به تاریخچه تضامات زنان در ایران، نظرات مخالفین و موافقین تضامات زنان را بگویید و در صورتی که پیشنهادی برای اصلاح بر طرف شدن ممنوعیت تضامات زنان دارید اعلام کنید.

- لازم است بگویم در ابتدای کارم، شهرهای محل کارمان را خودمان انتخاب می کردیم. من هشت پر را انتخاب کردم. در سال ۵۲ آنجا یک خیابان بیش تر نداشت. یک ماه در آنجا کار کردم تا اینکه رییس کل استان گیلان آمد و مرا از آنجا منتقل کرد. او گفت که مردم اینجا اصلاً پذیرای قاضی زن نیستند و اصلاً قاضی زن ندیده اند. به آنجا رفتم و در آن سال ها بومیان شرایط تفاوت کرده است. و اما نظرات مخالفین و موافقین که من آن را به نقل از مصاحبه های آنجا... سید محمد موسوی بجنوردی می گوید.

در مصاحبه ۲ با آقای سید محمد موسوی بجنوردی در باب تضامات آمده است که عده ای عقیده داشتند اصولاً بگوریت شرط تضامات است و زنان نمی توانند به طور مطلق تضامات کنند. عده ای دیگر معتقدند که زنان در مواردی که می توانند شهادت بدهند می توانند تضامات هم بکنند و عده ای دیگر زنان را در همه موارد تضاماتشان قبول دارند از جمله آپس... محمدی گیلان... تضامات در اسلام، جلد نظر سر... این است که «با تامل در طبیعت این منصب و لواز می که در پی دارد، تصدی این مقام با طبع لایق و احساسات لطیف نوع زنان و کمال تشنگان دمساز نمی دانم.» یعنی ایشان پذیرفته اند که از نظر شرعی و انسانی برای تضامات زنان وجود ندارد ولی از جهت کارهای صعبی که ممکن است در آن پیش بیاید نپذیرفتند. به هر حال در سال ۵۸ هیات دولت مصوبه ای را گذراند و وزارتخانه ها را مکلف کرد که هر زنی که تمایل دارد از دادگستری به آن وزارتخانه برود را با همان حقوق استخدام کند. شماره این تصویب نامه

۵۵۸ مورخ ۵۸/۷/۱۷ و به پیشنهاد وزارت دادگستری است. به همین دلیل عده‌ی زیادی از زنان به وزارت خارجه، وزارت آموزش و پرورش و ثبت اسناد و املاک رفتند و مشغول به کار شدند. زنانی که باقی ماندند و سنگر خود را در کسوت قضا حفظ کردند رتبه‌شان از قضایی تبدیل به رتبه اداری شد، به این دلیل که اصل ۱۶۲ قانون اساسی شرایط و صفات قاضی را موکول به قانون داخلی کرد و قانون و شرایط انتخاب قضات دادگستری هم گفته بود که قضات از بین مردان واجدالشرايط استخدام می‌شوند. البته در دفتر امور زنان ما راجع به قضاوت زنان تحقیق کردیم و جلساتی با صاحب نظران گذاشتیم و صحبت کردیم و طرح اصلاحی برای ماده دادیم. پیشنهاد اصلاح به جایی نرسید. به هر حال تبصره یک این ماده گفته بود که شورای عالی قضایی مختار کرده کسانی که واجد شرایط قضاوت نیستند مثل زنان و کی‌دی‌کس‌ن سابقه هستند به کار اداری بپردازند. ابلاغ قضایی زنان به ابلاغ اداری تبدیل شد بعد از مدتی تصویب قانون الحاق ۵ تبصره که قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب ۶۳/۱۱/۱۸ و تبصره‌ی ۵ آن کشور زنان را در دادگاه‌های مدنی خاص و ایاره‌ی سرپرستی پیش بینی کرده بود و این محملی شد برای این که ابلاغ قضایی زنان پاده شود. اصلاح تبصره «۵» قانون الحاق تبصره به قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب ۶۳-۶۴-۷۴ به رئیس قوه قضاییه انتصاب مشاور دیوان عدالت اداری، دادگاه‌های مدنی خاص - دادگاه‌های خانواده - قاضی تحقیق، دفاتر مطالعات حقوقی و تلوین قوانین دادگستری و اداره‌ی سرپرستی سفار و مستشاری اداره‌ی حقوقی و سایر اداراتی که هست قضایی دارند استعلام کنند. بنابراین با یکسری قضاوتی ۱۶ ساله از سال ۵۸ تا سال ۷۲ - دوباره استخدام زنان قاضی شروع شد.

اما پیشنهاد من برای مشاوران زن که بتوانند به پایه قضایی منصوب شوند و انشاء رأی کنند این است که به موجب بند «۲» اصل ۱۵۸ قانون

اساسی که استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان را مطابق قانون از وظایف رئیس قوه قضاییه دانسته این سه قوه هم توسط مقام رهبری تعیین می‌شود. قضات ما نیازی به تغییر در قانون اساسی ندارند. باید باشد که در قانون اساسی فقط رئیس قوه قضاییه، رئیس دیوان عدالت اداری و دادستان کل کشور در قانون آیین دادرسی مدنی تبصره ماده «۲» آیین دادرسی مدنی اگر قاضی خودش مجتهد باشد می‌تواند شرع بداند نمی‌تواند نظر بدهد. باید این پرونده به شعبه قضایی بماند. اگر این که اصل بر آن است مجازات ها هست، اصل دادرسی می‌گوید که هیچ کس مجرم شناخته نمی‌شود مگر این که در دادگاه صالح و با قاضی مجتهد محاکمه شود. بنابراین اصل دادرسی می‌گوید که کلیه‌ی احکام باید منطبق بر قانون باشد. بنابراین قانونی که از طرف مجلس شورای اسلامی تصویب می‌شود و در شورای نگهبان فقها آن را تأیید می‌کنند دیگر قانونی است بنابراین رأی دادن بر اساس آن اشکالی دارد و اصولاً زنان می‌توانند در دادرسی خصومت از طریق قانون باشند. قانونی که پشتوانه اش اسلام، دین و مذهبمان است اشکالی در اینجا به نظر نمی‌رسد. مضافاً این که اصل ۲ قانون اساسی ما می‌گوید که هر قانون و مقرراتی که تصویب می‌شود باید مطابق با موازین شرع باشد. بدین ترتیب ما قانون غیر شرعی نداریم. اگر رأی بخواهد رأی بدهد بر اساس قانونی که صادر شد که فقهای شورای نگهبان تأییدش کرده‌اند. بنابراین ما می‌توانیم در دادگاه‌های خانواده و قضات مدنی و قضات ضروری به نظر می‌رسد که به نظر می‌رسد که لازم باشد از وجودشان در این دادگاه‌ها استفاده کرد.

● به امید روزی که زنان ما بتوانند

قضاوت کنند و این منع قانونی هم برداشته شود.

- من فکر می‌کنم از نظر شرعی باز باید بررسی شود، حالا دیگر لازم شد در بعضی موارد من نظر علما و فقها را مطرح کنم. از فقهای متقدم ما، مقدس اردبیلی اصولاً اعتقادش این بود که زنان می‌توانند قضاوت کنند و در بعضی از موارد اعتقاد به این است که زنان در امور مالی می‌توانند قضاوت کنند. از فقهای متأخر هم آیت‌الله مرعشی و آیت‌الله محمدی گیلانی و آیت‌الله بجنوردی و آیت‌الله صانعی و بسیاری از علما هستند که معتقدند زنان می‌توانند قضاوت کنند. بنابراین با یک بررسی شرعی شاید راه باز شود.

هم از خانواده خودتان بپایید.

- همسر من وکیل دادگستری است. البته پنج سال قاضی بود بعد استعفا داد و به شغل وکالت روی آورد. دو پسر دارد یکی از آن‌ها دوره‌ی لیسانس عمران را در دانشگاه صنعتی شریف تمام کرد و در حال حاضر در دانشگاه تهران فوق لیسانس محکم‌زیست می‌خواند و پسر کوچکم هم در دانشگاه تهران مهندسی می‌خواند.

● از زندگی من رضی هستید؟
- خیلی، خدا را شکر.

● دوران آرزوی موفقیت



۱- نکاح سفار: در جاهلیت عرب اتفاق می‌افتاد که دو نفر دختر خود را به تزویج یکدیگر می‌دادند بدون مهر و در حیثیات بضع یکی مهر دیگری محسوب می‌شد. در اسلام این نکاح باطل است. (ترمینولوژی حقوقی دکتر لنگرودی)

زن گزیده

◇ محمد ضرغامی

به اشتغال زنان در ایران

در تاریخ ایران تا پیش از مشروطیت، مداخله سنت بر مساوات انسانی چشم بسته بود و فرهنگ مردسالارانه را با تعبیری منجمی تفسیر می کردند. تا هنگامی که نسیم حریت وزیدن گرفت، زنان خرید و فروش می شدند و نه تنها از حق اشتغال محروم بودند، بلکه حکومت هم این حق را برای آن‌ها به رسمیت نمی شناخت و در چنین اقل تیره‌ای تنها صنف «بدنامان شهر» بود که بیوه‌ها و رانده شده‌ها و فقرا را به عضویت گرفته بود و به حکومت مالیاتی هم می پرداخت. مردان سنتی هم گذشته را پناهگاهی برای آینده خود قرار داده بودند تا اقتدار مطلوب مردانه حکمفرما باشد. دیری نگذشت که با وقوع انقلاب مشروطه و جانفشانی‌های زنان، دگرگونی در برخی اندیشه‌ها پدید آمد و زن از «مطبخ» به «اجتماع» حلول کرد. این اندک تحولات هم برگرده زنان بورژوا و مکتب دیده بود؛ در میان درباریان «دختر ناصرالدین شاه» ۲ که خود را یک سوسیالیست قلمداد می کند، بر ضد سلطنت سخن می راند و در خاطراتش از وضعیت زن ایرانی شکوه می کند: «زنان ما در گوشه خانه است که عمر خود را تباه می کنند و به فساد کشیده می شوند. در ایران مردان از زنان کم ترند، اما دو ثلث بی کار و معطل است، پس

ان ثلث دیگر باید کار کند ... یک عمه مزدور باید در روز دو قران مزد بگیرد و آن را خرج چند فرزند کند، به خواهر و خواهرزاده هم برساند، اما اگر این زنان از طریق کار در مغازه‌ها و در دکان‌ها و ادارات استقلال اقتصادی به دست می آورند، سربار یک مرد نان آور نمی شدند، بدیهی است وقتی مزد کارگر کفاف نداد باید بدزدند، وقتی موجب کم آمد مرد خانواده مردم را دلیل می کند و مملکت را می فروشد و به خیانت دست می زند.»

زنان تا سال ۴۲ از حق رأی دادن هم محروم بودند و در بی اهمیتی صرف بود که چنین حقی برایشان قایل شدند تا حاکمیت بر پرستیژ بین المللی اش بیافزاید. در کنار این حرکت پهلوی‌ها حرکت تازه تری را آغاز کردند و «سازمان زنان» ۳ متولد شد، اما باز هم این تحرکات از بالا به پایین صورت گرفته بود و سازمان زنان دست‌پخت خواهران شاه بود و انعکاسی مثبت از ایران در صحنه‌های بین المللی. این دینامیسم اجرایی با مقاومت نیروهای سنتی در داخل کشور رو به رو شد. بنابراین زمانی که زنان خود را در غرقاب گرفتار دیدند به خروش جنبشی تازه که با شعار استقلال و آزادی پدید آمده بود پیوستند تا بلکه

با اتمام ...
«عصر جدیدی» برای
زنی تازه، زن خانه دار را در
تازه‌ای به صحنه اجتماع آورد
از «زندان تأدیبی» به در آمده باشد و جدا
از منشی قالبی، دوره‌ای دیگر فراهم سازد؛ آن هم
در جهانی که نیروی اندیشه تاب بازو را گرفته و
میان نرینه و مادینه را به هم آورده است.
چنین تحولی باید از پیشرفت خود را در
مرحله آگاهی و آزادی معنا کند. زن خانه دار
دیروز برای گریز از حجم مبهم و تیره‌ای که هیچ
دورنمایی برایش نداشت، لباس رمانتیک
اشتغال را به تن کرد تا گریزگاهی به سوی
روشنی پدید آورد. اکنون رسیدن به آگاهی
محض پس از آن اندک آزادی، طرد گذشته‌ای
در دناک و فریاد آینده‌ای مستقل است:

با ساخت شکنی و پی ریزی شالوده‌ای نوین،
اضطراب گذشته را دور ریزند و سیمایی ملایم
از زن بنمایند. در گرایش به انقلاب نوپدید، سه
طبقه از زنان جامعه را می توان باز شناخت.
گروهی که وابستگی اش به طبقه متوسط بود و
با افزایش درآمد حاصل از نفت در اوایل دهه ۵۰
از امکانات آموزشی حول آن سود جسته و وارد
نظام آموزشی شده بود. این گروه با دست‌یابی
به آگاهی وارد بازار کار می شد. در جوار این
طبقه متوسط آگاه، زنان کم درآمد می زیستند
که تنها بر اثر فشار اقتصادی به اشتغالی
ناخواسته و اجباری در خارج از خانه روی آورده
بودند. آنها نه مهارت لازم را داشتند و نه آگاهی
ملزوم را. این زنان را کارگر تولیدی لقب
می دادند، آن‌ها بیش از هر چیز ظلم مضاعف را
تجربه کرده بودند. تا آنجا که در باور عمومی کار
کردن آنها در حکم بی غیرتی شوهرانشان قلمداد

می‌شد، دسته و آپسین هم زنان خانه‌دار بودند که جز نقش تولید مثل و برآورده کردن نیازهای عاطفی مرد نقش دیگری به آنها واگذار نشده بود و به جهت عدم آگاهی چشم و گوش بسته، اسیر مطبخ بودند. شرایط عمومی کشور مزید بر علت شده بود تا هر کدام آرزویی بپروانند و در عرف جنبش که آزادی را تکرار می‌کرد و استقلال را اصرار، الگویی متأثر از شرایط اجتماعی خود را خلق کنند. اما این سه طبقه در میان باورهای دوران انقلاب و آنچه بعدها شکل گرفت پر تنش تنها ماندند. بعد از انقلاب، بهمن ۵۷ جزئی از واقعیت خود را بر رخ کار واقعیت کشید و تصویری ایدئولوژیک آن صورت و اصالت زن به نمایش گذاشت. چنان‌که در کتاب «مسئله حجاب» ۴ آزادی زن چنین بیان می‌شود: «مصلحت خانوادگی ایجاب می‌کند که خارج شدن از خانه توأم با جلب رضایت شوهر و مصلحت اندیشی او باشد... گاهی ممکن است رفتن زن از خانه اقوام و اطویل خودش هم مصلحت باشد... گاهی فقط که رفتن زن حتماً به مادرش بستگی بر خلاف مصلحت خودش است... در چنین مواردی شوهر چنانچه از رفتن زن از خانه باخبر شود، در میان بخش‌های خانواده از آن خلاقانه‌تر است» (۱). تغییرات در نقش زنان در دنیا از دیدگاه انقلاب می‌گیرد. در دیدگاه انقلاب، به بعد از انقلاب به بعد، نقش زنان از دیدگاه مردان انقلاب به این جهت فاصله گزیدگی از دیدگاه‌های غربی، نقش اجتماعی می‌گیرد. به این توزیع مطلوب مطروحه در این کتاب تا به حد امکان می‌یابد. در سال‌های بعد از انقلاب پذیرش زنان در بازار کار نظامی در اواسط دهه ۷۰ گویی شکست خورد به سود زنان صورت می‌گیرد. هر چند که با نونهالان اساسی زنان از کتاب حذف و حضورشان کم رنگ شد و برای برآوردن باورهای ایدئولوژیک از نقش اقتصادی و اجتماعی زن در کتاب‌های درسی کاستند و بر نقش خانوادگی او افزودند و بدین طریق فرهنگ

برابری و مساوات نهادینه نشد، و زنان مفاهیم دیگری را پایه‌گذاری کردند، چنان‌که در محیط‌های کارگری هنوز حرف از متغیرهای اقتصادی بود و در میان طبقات متوسط دست‌یابی به شرایط عادلانه اجتماعی در کنار بهره‌مندی از فن‌سالاری گورزند می‌شد. قشر خانه‌دار سنتی سر به سکوت برده بود و از خلال مناسبات پس از انقلاب قشر جدیدی پایه‌عرصه وجود گذاشته بود که «مرفه» لقبش می‌دادند و حذف عقاید قالبی و تقسیم کار عادلانه را پی‌گیری می‌کرد. زنانی که به دنبال پایان عصر انزوا و کنج‌نشینی در خانه، آسایش را در پیکره مدرنیسم اجتماعی تتبع می‌کردند. اصل ساختار جامعه نمی‌توانست از گذشته بکاهد و بر آینده بیافزاید. چنان‌که در این کتاب از این موضوع به تفصیل بحث شده است. این مصلحت‌اندیشی و تنگ‌بینی، در واقع به اشکال مختلف خود را در رفتار زنان نشان می‌دهد. این مصلحت‌اندیشی به گونه‌ای است که در ظاهر به دنبال رفاه و آسایش است، اما در باطن به دنبال محدود کردن آزادی و استقلال زنان است. این مصلحت‌اندیشی در واقع به گونه‌ای است که در ظاهر به دنبال رفاه و آسایش است، اما در باطن به دنبال محدود کردن آزادی و استقلال زنان است. این مصلحت‌اندیشی در واقع به گونه‌ای است که در ظاهر به دنبال رفاه و آسایش است، اما در باطن به دنبال محدود کردن آزادی و استقلال زنان است. این مصلحت‌اندیشی در واقع به گونه‌ای است که در ظاهر به دنبال رفاه و آسایش است، اما در باطن به دنبال محدود کردن آزادی و استقلال زنان است.

برای درک استعدادها و تمایلات ویژه ناشناس باقی ماند و از زندگی آنان سراسر ترازادی ساخت. این مرحله هم بی‌نصیب از گذشته نبود. در اواخر دوره قاجار زنان بسیاری به اشتغال در بخش رسمی پرداختند. شرکت قالبیابی زینگر سلطان‌آباد را انگلیسی‌ها پایه‌گذاری کرده بودند که نیروی کار زنان را پوشش می‌داد و در همین دوره بود که سه گروه عمده شغلی برای زنان به وجود آمد و آن‌ها توانستند در مشاغل آزاد، حرفه و صنعت و امور کسبی به کار بپردازند. بهر آنکه جمعیت فعال کشور را اشغال زنان در آن زمان ۱۱ درصد ناچیز چهل میلیون نفری ایران و چنانچه از میان این تعداد تنها ۱۵ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. با تغییرات بنیادین در هویت زنان آن‌ها از خانواده به جامعه آمدند، عده‌ای این تغییرات را مانع توسعه تلقی کردند و برخی اتفاقات حاصل از این تغییرات را مانع توسعه معرفی نمودند. در این دوره به تحول شدن و اجتماع درونی و اجتماعی زنان گامی برداشته شد. در این دوره به تحول شدن و اجتماع درونی و اجتماعی زنان گامی برداشته شد. در این دوره به تحول شدن و اجتماع درونی و اجتماعی زنان گامی برداشته شد. در این دوره به تحول شدن و اجتماع درونی و اجتماعی زنان گامی برداشته شد. در این دوره به تحول شدن و اجتماع درونی و اجتماعی زنان گامی برداشته شد.